

جغرافیا (فصلنامه علمی - پژوهشی و بین‌المللی انجمن جغرافیای ایران)  
دوره جدید، سال چهاردهم، شماره ۵۰، پاییز ۱۳۹۵

## نگاهی نو به مسئله کُرد در خاورمیانه مطالعه‌ی موردی: دیالکتیک ترکیه و مسئله کُرد از منظر پیمان‌نامه‌ها

یداله کریمی‌پور<sup>۱</sup>، عطاء‌الله عبدی<sup>۲</sup>، افشین متقی<sup>۳</sup>، صالح عمرعیسی<sup>۴</sup> و احمد غم‌پرور<sup>۵</sup>  
تاریخ وصول: ۱۳۹۵/۴/۲۰، تاریخ تایید: ۱۳۹۵/۷/۱۴

### چکیده

کُردها جزء اقوام اکولوژیک منطقه و بزرگترین قوم بدون دولت در خاورمیانه (به استثنای ایران) به‌شمار می‌روند. این بارزه مسائل اساسی را در یک سده‌ی گذشته موجب شده و جغرافیای خون را بر پهنه‌ی جغرافیایی آنان حاکم ساخته است. انفال و حلبچه در عراق تا وقایع درسیم و ۴۰،۰۰۰ هزار کشته در ترکیه تنها برجسته‌ترین نمادهای وضعیت ناهموار حاکم بر جغرافیای کُرد می‌باشند که نتیجه سیاست در سده‌ی گذشته هستند. روشن است ورود اندیشه‌های مدرنیته و در صدر آنها ناسیونالیسم و دولت ملی مدرن که تمرکز قدرت و جغرافیای یکدست را بهترین گزینه برای دولتی مدرن، مقتدر، پیشرفته و دموکراتیک می‌دانست، نقش اصلی را در این زمینه ایفا کرده است. داده‌های پژوهش حاضر که برگرفته از بخشی از رساله دکتری است، به شیوه کتابخانه‌ای (داخلی و خارجی) فراهم و در مرحله بعد، به روش توضیحی/تحلیلی به تحلیل آن‌ها اقدام شده است. نتایج به‌دست آمده نشان می‌دهد که سیاست (دیالکتیک) داخلی ترکیه نسبت به جغرافیای کُرد سیاست خارجی این کشور را هدایت و حتی سیاست جغرافیای پیرامون نزدیک را نیز تحت تاثیر و در مواقعی جهت داده است. این امر پیچیدگی خاصی بر مسئله کُرد حاکم ساخته به‌گونه‌ای که حل دموکراتیک آن را دور از دسترس قرار داده و زمینه برای دستیابی به جغرافیای صلح را تا حدودی سخت کرده است. در پایان برای خروج از

۱. استاد جغرافیای سیاسی دانشگاه خوارزمی

۲. استادیار جغرافیای سیاسی دانشگاه خوارزمی

۳. استادیار جغرافیای سیاسی دانشگاه خوارزمی، نویسنده‌مسئول؛ a.mottaghi@khu.ac.ir

۴. دانشیار علوم سیاسی و روابط بین‌الملل دانشگاه صلاح‌الدین، اربیل عراق

۵. دانشجوی دکتری جغرافیای سیاسی دانشگاه خوارزمی

این وضعیت و تحقق جغرافیای صلح، سیاست اکولوژیک پیشنهاد شده است که توجه به بارزیه‌های جغرافیای تفاوت را در دستور کار سیاست داخلی قرار داده و استدلال می‌شود که در مرحله بعد قادر است سیاست خارجی را به سمت صلح هدایت و به جای توازن جامع یک‌طرفه که از بعد منفی برخوردار است، اشتراک همه‌جانبه را سبب و جغرافیای صلح را عملی سازد.

کلیدواژگان: دیالکتیک، ترکیه، گُردستان، مسئله گُرد، جغرافیای صلح، جغرافیای خون.

## مقدمه

همگرایی بین کرد و نظام خلیفه‌ای در ترکیه به سال ۱۵۱۴م. برمی‌گردد که در آن جغرافیای کرد همگام با سلطان سلیم علیه امپراتوری صفویه جنگید و به پاس این همکاری، باب عالی<sup>۲</sup> در بُعد مدیریت سیاسی فضا، سیستم میللت<sup>۳</sup> را با مشورت ملا ادریس بدلیسی تئوریزه کرد. در همگرایی شکل گرفته نیاز مشترک<sup>۴</sup> اصل اساسی بود، هرچند تا سال ۱۸۳۹م. که نقطه عطفی در سیاست امپراتوری عثمانی است پیمان‌هایی<sup>۵</sup> بین صفویه و عثمانی بسته شده ولی به نظر می‌رسد زیاد نافی و برهم‌زننده‌ی زیست‌بوم شکل گرفته بین باب عالی و جغرافیای کرد نبوده است.<sup>۶</sup>

با ورود مفاهیم مدرنیته - ناسیونالیسم، دولت ملی و... - همگرایی فوق تغییرات بنیادی به خود دید. اولین نشانه‌ی این تغییر به دوره‌ی سلطان محمود دوم عثمانی در نیمه اول سده‌ی نوزده (۱۸۳۹م. فرمان گلخانه) برمی‌گردد که تمرکز قدرت جهت دولتی مقتدر را هدف استراتژیک تعریف کرده بود. تمرکز قدرت به حذف سیستم میللت و امیرنشین‌های کرد که از آن به «نظام‌های اکولوژیک سیاسی» یاد می‌شود، منجر شد. در حقیقت اندرکنش قدرت/منفعت سلطان محمود دوم عثمانی بنیادهای درک مشترک را که باب عالی در چارچوب نظام خلیفه تئوریزه کرده بود، به لرزه درآورد. بنابراین، در تخریب اکولوژی شکل گرفته، مدرنیته و نیرویی که از آن به درون ساختار سیاسی ترکیه تزریق می‌شد، عامل اصلی است؛ چرا که دیالکتیک قدرت/منفعت<sup>۷</sup> را صورت می‌دهد. شورش امیر بدرخان بیگ، یزدانشیر و... آغاز و نشانه‌های

---

۱. جنگ چالدران

۲. کاخ سلاطین عثمانی در استانبول

۳. سیستم خودمختاری (میللت - millet)

۴. اهمیت کردن برای باب عالی در برابر صفویه و جایگاه مرکز خلاف برای امیران کرد در دادن آزادی اداری مشروعیت یافته از دین

۵. آماسیه، کردن، ذهاب و...

۶. اگر این تحلیل در فضای خود و به دور از مفاهیم سیاسی مدرن همچون ناسیونالیسم تحلیل شود.

۷. دیالکتیک قدرت/منفعت بدین معناست که مدرنیته و مفاهیم آن ساختار مرکزی را تشویق کرد تا تمام جغرافیا را بدون توجه به تفاوت‌ها مذهبی، قومی، زبانی و... تحت نفوذ خود درآورد و برای تمرکز قدرت (تئوریزه کردن سیستم سیاسی متمرکز) تلاش کند، این تلاش‌ها مخالفت جغرافیای تفاوت (کرد) را در پی داشت و دیالکتیک قدرت/منفعت را بین دو جغرافیا صورت داد.

این دیالکتیک‌اند.

مدرنیته و نیروی سیاسی آن تنها به قوم مسلط بر جغرافیای ترکیه - یعنی ترک‌ها - محدود نماند بلکه کلیت جغرافیا یعنی کُرد، ارمن، چرکس و... را هم دربرگرفت و به این ترتیب شکاف در درک مشترک توسعه یافت. با این وجود، نقش و جایگاه جغرافیای مسلط (تُرک) به جهت در دست داشتن ابزارهای اعمال اراده در این زمینه - تغییر فرم‌های سیاسی موجود به شکل مطلوب و مورد خواست خود - به مراتب بیشتر است.

ترکیه‌ی جدید، مدرنیته را همچون پایه و اساس سیاست داخلی تعریف کرد، اما مسئله‌ی اصلی در این میان عدم درک فلسفه‌ی این مفاهیم و بومی کردن آن با جغرافیا و سیاست در این کشور بود. دستگاه سیاست از همان روزهای نخست بنا را بر حذف جغرافیای کُرد از چارچوب قدرت و سیاست به‌عنوان اصلی‌ترین حوزه نمود. قالبی که ترکیه‌ی جدید تئوریزه نمود، عبارت بود از یکدست و همانند نمودن جغرافیای سیاسی ترکیه که با تاریخ، سیاست، فرهنگ، زبان تُرک هویت می‌یافت. با حذف زمینه‌ی اسلامی از پرچم این کشور، ذات و واقعیت سیاست در ترکیه کاملاً خود را نشان می‌دهد (زمینه سرخ پرچم)؛ به‌یک‌رنگ درآوری و عدم تحمل تنوع. ماه و ستاره به معنای به خدمت گرفتن قدرت دین در این عرصه است. اعمال این سیاست به معنای برهم زدن اکولوژی (اکولوژی در اینجا منظور نوعی از سیاست که در پیوند تنگاتنگ محیط و باشندگان است و تمایزات جغرافیایی را ارج می‌نهد) است که با فرمان گلخانه شروع شده بود. «ترک‌های کوهی» از برجسته‌ترین و شناخته شده‌ترین این سیاست‌هاست. کسانی که به دلیل کوه‌نشین بودن از زبان و فرهنگ اصلی یعنی ترک جدا شده و برای بازگشت به وضع اولیه نیازمند اعمال سیاست‌های برنامه‌ریزی شده هستند. در این پیوند «تئوری ترک برای زبان و فرهنگ شرق» در دهه‌های بعد از تثبیت جمهوری از طرف دولت نظریه‌پردازی شد، که در راستای فایق آمدن بر لکه‌هایی بود که بر پرچم یکدست ترکیه حک شده بودند. پژوهش حاضر این منطق را از چشم‌انداز پیمان‌نامه‌ها مورد مذاقه قرار داده و در پی تحلیل اثرات دیالکتیک سیاست ترکیه است.

۱. تیزی تورک بومی ژوو وزمانی خور (نسماعیل بیشکچی)

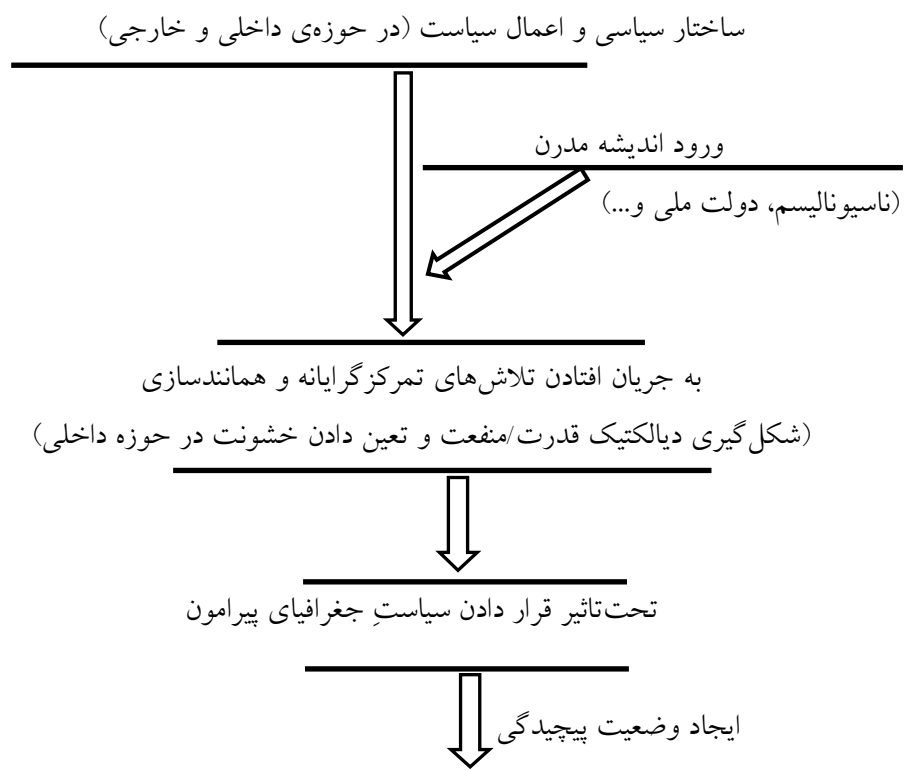
## مبانی نظری

در علم ژئوپلیتیک ساختار و کارگزار ژئوپلیتیک، جدالی همیشگی را با یکدیگر داشته‌اند که این تعارض در جنگ‌های جهانی، مناقشات منطقه‌ای و بین کشوی، کاملاً محسوس می‌باشد (عبدالله‌پور و متقی، ۱۳۹۴: ۱۱۳). رابرت السن در کتاب خود «مسئله کرد» رابطه‌ی کشورهای دارنده‌ی کرد - ترکیه، ایران، عراق و سوریه - بر سر مساله کرد را در چارچوب تئوری «توازن جامع» تحلیل و استنباط نموده است. در توضیح تئوری توازن جامع که پایه‌ی نظری پژوهش حاضر بر آن استوار است باید گفت:

«... [توازن جامع] تاکید بر این نکته است که کشورهای جهان سوم، بویژه رهبران‌شان، ترجیح می‌دهند با دشمنان و مخالفان درجه دوم خود همکاری کنند تا بتوانند عمده‌ی منابع و امکانات خویش را متوجه دشمنانی کنند که خطرناک‌ترشان می‌دانند. برای انجام این منظور کوشش می‌کنند در صف‌آرایی‌های علیه خود شکاف بیندازند، و متحدان جهانی مخالفان داخلی را، آرام کنند. جنبه‌ی اساسی «توازن جامع» این است که تصمیماتی را که در این گونه صف‌آرایی‌ها اتخاذ می‌شوند جز در پیوند با نقشی که خطرات داخلی نسبت به رهبران این گونه کشورها ایجاد کرده‌اند نمی‌توان ادراک کرد (السن، ۱۳۸۴: ۲۹-۳۰).

اما در تئوری السن به‌عوض رهبران، این نظام‌های سیاسی موجودند که در این صف‌آرایی عمل می‌کنند. بارزترین جنبه‌ی «توازن جامع» به گمان السن این است که مرکز توجه نه تهدیدات خارجی بلکه، خطرات داخلی است که نظام را تهدید می‌کند (السن، ۱۳۸۴: ۲۹-۳۱). وقتی تئوری توازن جامع را با وضعیت سیاسی حاکم بر جغرافیای ترکیه در سده‌ی گذشته و حتی امروزه در نظر بگیریم که ساختاری وجود دارد که به‌شدت متأثر از مدرنیته و مفاهیم اندیشه‌ای آن است و مجهز به نیروی ناسیونالیسم، و اینکه ناسیونالیسم هم بنیاد نهادن دولت ملی مدرن را هدف استراتژیک خود قرار داده است و برای تعیین دادن آن تمام نیروی خود را متمرکز کرده است (تمرکز سیاسی و حذف تفاوت‌های قومی، زبانی و...)، در طرف مقابل آن هم جغرافیای کرد با وزن بالا (سرزمینی، جمعیتی، اقتصادی، سیاسی و...) وجود دارد و چارچوبی که دولت ملی مدرن درصدد تئوریزه نموده آن است را به‌چالش می‌کشد، در نظر بگیریم، اهمیت این مسئله را که چرا ترکیه به تنهایی پایه و نیروی محرکه‌ی تئوری توازن جامع است همانگونه که در این

پژوهش استدلال شده است به گونه‌ای که حتی آن را از جامعیت انداخته و وجه تک عاملی بدان بخشیده<sup>۱</sup> و سیاست جغرافیای پیرامون را تحت‌تأثیر قرار و در مواردی حتی آن را جهت داده است، بهتر آشکار و علت حاکم شدن وضعیت پیچیدگی بر مسئله گردد را نیز بهتر روشن می‌کند.



شکل ۱: چارت مفهومی اثرگذاری دیالکتیک داخلی بر سیاست خارجی و

سیاست جغرافیای پیرامون و حاکم ساختن وضعیت پیچیدگی، منبع: نگارندگان

### روش پژوهش

مسئله گردد، از جمله مسائل بسیار مهم خاورمیانه و چهار کشور ترکیه، عراق، سوریه و ایران به

۱. بدین معنا که این ترکیه است که تار و پود تئوری توازن جامعه را شکل می‌دهد.

شمار می‌رود و اهمیت آن بویژه از زمان ورود ناسیونالیسم و تلاش برای بنیاد نهادن دولت ملی مدرن به مراتب بیشتر شده است. در این پیوند ترکیه یکی از کشورهایی است که نزدیک به پنجاه درصد (Vezbergaitė, 2015:7) کُردها را در خود جای داده و سیاست‌های ویژه‌ای را با هدف تمرکز قدرت سیاسی و تاسیس کشوری یکدست با محوریت قومیت ترک در طول سده گذشته تئوریزه نموده است. در این پیوند مسئله کُرد در فضای پیرامون نزدیک هم در یک سده گذشته وضعیت لاینحل به خود گرفته و روزبه‌روز وجه پیچیده‌تری می‌یابد. این امر پرسش زیر را ضرورت داد که:

- آیا ممکن است دیالکتیک داخلی - سیاست داخلی - ترکیه در پیوند با جغرافیای کُرد سیاست خارجی را هم را هدایت و از آن مهمتر سیاست جغرافیای پیرامون (کشورهای پیرامون نزدیک و دارنده‌ی کُرد) را نیز تحت تاثیر و جهت دهد؟
- به این منظور و برای دستیابی به نتیجه‌ی مطلوب بر روی عالی‌ترین سطح سیاست بین کشورها - یعنی پیمان‌نامه‌ها - تمرکز شده و پس از جمع‌آوری اطلاعات به شیوه‌ی کتابخانه‌ای (منابع داخلی و خارجی) به روش توضیحی - تحلیلی اقدام به تحلیل داده‌ها شده است.

### یافته‌های پژوهش

#### مختصات کلی جغرافیای مورد پژوهش

ترکیه معاصر از نظر جغرافیایی همچون یک پل زمینی در جنوب غرب آسیا واقع است. بخش آسیایی ترکیه به آسیای صغیر یا آناتولی معروف است و تنگه بسفر و داردانل و دریای مرمره آنرا از بخش اروپایی‌اش جدا می‌کند. بخش اروپایی هم با نام تراکیا شناخته می‌شود که ۳ درصد کل وسعت کشور را دربر گرفته و نزدیک ۱۰ درصد ساکنین کشور را هم در خود جای داده است. از نظر سیاسی، ترکیه تا قبل از ۱۹۲۳ م دارای نظام خلیفه‌ای بوده و از این تاریخ به بعد تا اواخر دهه ۴۰ به شیوه‌ی جمهوری با سیستم تک حزبی اداره می‌شد (همان، ۳۰-۱۱). امروزه نیز این کشور دارای همان نظام جمهوری است با این تفاوت که با سیستم چند حزبی و نظام انتخاباتی حداقل ۱۰ درصد اداره می‌شود.

مصطفی کمال به‌عنوان پدر ترکیه نوین جمهوری را از همان ابتدا بر ۶ اصل: ۱. ناسیونالیسم

ترک، ۲. جدایی دین از سیاست (سکولاریسم)، ۳. دولت‌گرایی<sup>۱</sup>، ۴. جمهوری‌خواهی<sup>۲</sup>، ۵. مردم‌باوری<sup>۳</sup> و ۶. اصلاح‌گرایی (E. Cornell، ۲۰۰۱: ۳۳) بنا نهاد و «یک کشور، یک ملت» را که تا امروز پایه و اساس جمهوری است، شعار جمهوری قرار داد، این در حالی است که بخش بزرگی از جمعیت این کشور را کُردها تشکیل می‌دهند که کاملاً متفاوت از ترکها هستند. کُردها احتمالاً قبایل هند - اروپایی هستند که به مناطق کوهستانی جغرافیای فعلی کردستان آمده و میان ساکنان آن یعنی سومریان، بابلیان و آشوریان ساکن شده‌اند. بیشتر منابع کُردی بر این اعتقادند که کُردها از نسل مادها هستند، کسانی که از شمال و به احتمال زیاد منطقه قفقاز در هزاره اول و دوم پیش از میلاد به جغرافیای فعلی آمده‌اند (Koohi-Kamali, 2003:24). میهن تاریخی آنها که کردستان نام دارد، هیچگاه مختصات جغرافیایی دقیقی نداشته است. جنگ‌ها، هجوم‌ها و کوچ این مردم از سرزمین خود بارها سیمای کردستان را دچار دگرگونی کرده است. نام کردستان صرفاً جنبه‌ی قومی دارد و به سرزمینی گفته می‌شود که جمعیت اصلی و یا بخش بزرگی از آن را کُردها تشکیل می‌دهند (لازاریف، محوی، حسرتیان، ژبگالینا، ۲۰۰۷: ۲۴). قلب این جغرافیا شامل رشته کوه‌های فوق‌العاده ناهموار زاگرس با جهت شمال - غربی به جنوب - شرقی است. در غرب، این کوه‌ها به توده‌های خاک دشت بین‌النهرین<sup>۴</sup> پیچ می‌خورند. در شمال به آرامی به فلات و سرزمین‌های مرتفع آناتولی و در شرق هم به سرزمین‌های کم ارتفاع جایی که کُردها هنوز در آنجا زندگی می‌کنند (Mcdowell, 1991:6)، ختم می‌شوند. همچون مختصات دقیق سرزمینی داده‌های جمعیتی در مورد کُردها هم بسیار جای بحث دارد. چرا که آمارهای متفاوتی از تعداد جمعیت کُرد هم از جانب کشورهای مرکزی و هم از جانب خود کُردها ارائه شده است که از هم بسیار دورند. ناظران معتبر و قابل اعتماد تعداد کُردها را در ترکیه بیشتر از ۱۵ میلیون نفر (دشنر، ۲۰۱۱: ۱۲؛ Ivanov، ۲۰۱۴: ۱) و تعدادی دیگر ۱۴ میلیون نفر یعنی معادل ۱۸ درصد از کل جمعیت ۸۰ میلیونی این کشور تخمین می‌زنند<sup>۵</sup> (Vezbergaite, 2015:7)، در

1. etatism

۲. ریابلیکانیسم آتاتورک بدون شباهت به پادشاهی گذشته نبود.

3. populism

4. Mesopotamian

۵. آمارهای دیگر از ۱۵ تا ۲۵ درصد کُرد در این کشور خبر می‌دهند (Vezbergaite, 2015:7).



مورد زبان کُردها هم باید اشاره کرد که زبانی که جغرافیای کُرد با آن صحبت می‌کند متعلق به گروه شمال - غربی گویش<sup>۱</sup> ایرانی است (Asatrian, 2009:5).

مسئله‌ی کُرد در پیمان‌نامه‌های ترکیه با فضای پیرامون تا ۱۸۳۹م (فرمان گلخانه) شمس محمد در کتاب تاریخ کُرد در قرن ۱۶ میلادی می‌نویسد: «در اثر جنگ چالدران و شکست صفویه وضعیت امرای کُرد بهتر شد. در عزیمت از آذربایجان مولانا ادریس بدلیسی خواست امرای کُرد را به اطلاع سلطان رساند که آنان می‌خواهند مناطقی را که از اجدادشان به آنها رسیده، از قزلباش‌ها پس بگیرند و امیرالامرای از میان آنها تعیین شود (شمس محمد، ۱۳۸۰: ۷۹) بنابراین، باب عالی بنا به ضرورت وقت، مشارکت قانونی گروه‌های قومی را در نظام سیاسی برگزید و موجبات همبستگی اجتماعی و اقتدار امپراتوری عثمانی را فراهم آورد. اما این وضعیت همگرایی زیاد طول نکشید و تلاش‌هایی جهت برهم زدن اکولوژی شکل گرفته صورت گرفت که در بُعد فرامرزی خود را نشان داد، اگرچه به نسبت دوره‌ی ترکیه‌ی جدید به مراتب گویای میزان خشونت کمتری نسبت به جغرافیای کُرد بود.

اولین اقدام در این زمینه به پیمان استانبول (۱۵۸۹) و ذهاب (۱۶۳۹) بین امپراتوری عثمانی و صفوی برمی‌گردد که اولین اجماع مشترک دو امپراتوری بر جغرافیای کردستان را نشان داد. بارزهی این پیمان‌ها متفاوت از دوره‌ی ترکیه‌ی جدید در این است که هنوز مرزهای دو امپراتوری مشخص نبود. از این رو، این پیمان‌ها درصد کمتری از دغدغه امپراتوری عثمانی را نسبت به جغرافیای کُرد نشان می‌داد و بیشتر در قالب رقابت قدرت با صفویه هستی می‌یافت. در قرارداد صلح استانبول دسامبر ۱۵۸۹م بین امپراتوری عثمانی و صفوی توافقی حاصل آمد که قسمتی از جغرافیای کُرد جدا شد که در بند الف آن آمده است: ولایات ارمنستان و شکی و شروان - گرجستان و قرباغ - شهر تبریز و قسمت غربی آذربایجان - کردستان و لرستان و قلعه نهاوند به دولت عثمانی واگذار شد (پارسادوست، ۱۳۶۹: ۴۴) توافق فوق در قرارداد ۱۷مه ۱۶۳۹ ذهاب [که تقریباً مصادف با صلح وستفالی است] عملی گردید و دو امپراتور بر سر

1. North-Western group of Iranian dialects

تقسیم جغرافیای کرد توافق نمودند که این توافق در قرارداد گردان (۶ سپتامبر ۱۷۴۶) دوباره مورد تأیید واقع شد (همان: ۴۹۲ - ۴۸۴)، بحث اصلی در این دوره بیش از آنکه متوجه گردان باشد، در فضای کلان‌تر رقابت ژئوپولیتیک بین دو امپراتوری اسلامی ماهیت می‌یافت، اگرچه نتایج آن بر جغرافیای کرد عملی می‌شد.

### از فرمان گلخانه تا به امروز

به مرور زمان مسائل رقابتی، با مسئله امنیت که اقتدار حکومت را نشان می‌دهد، آمیخته شد. این تلاش‌ها در نوع خود از وجود مفاهیم مدرن و تکنولوژی آن به منطقه خبر می‌دهد که این قدرت را به امپراتوری‌ها می‌بخشید تا که قلمرو موثر ملی را هر چه بیشتر روشن نمایند. بر این اساس در معاهده ارزروم (۲۸ ژوئیه ۱۸۲۳) بین ایران و عثمانی از هفت ماده، سه تای آن در مورد جغرافیای کرد نوشته شد که به خوبی چنین فضایی را در حوزه سیاست و ژئوپولیتیک انعکاس می‌دهد و اینکه چگونه وضعیت موجود - اکولوژی شکل یافته - به نفع مفاهیم سیاسی هژمون طلب عرصه را ترک می‌کند.

- ماده اول؛ دولتین قول می‌دهند از دخالت در امور یکدیگر خودداری کنند و دولت ایران از این به بعد حق دخالت در امور کردستان و نزدیک بغداد را ندارد.
- ماده سوم؛ عشایر حیدرانلو و سیبکی باید متوجه باشند که آنها باعث وقوع جنگ بین دو امپراتوری گردیدند که هم اکنون در امپراتوری عثمانی ساکن هستند، دولت عثمانی قول می‌دهد از هجوم آنها به داخل خاک ایران جلوگیری کند.
- ماده چهارم؛ هر دو متفق‌القولند که فراریان یکدیگر را پناه نداده و از آنها پشتیبانی نکنند (ماه - دنی، ۱۳۷۹، لایحه‌ره‌کان ۴-۱۲۳).

در معاهده ارزروم دوم (۳۱ مه ۱۸۴۷) بین دولتین که روسیه و انگلیس نقش اساسی را ایفا نمودند و از یک مقدمه و ۹ ماده تشکیل یافته بود، ۶ ماده آن جغرافیای کرد را شامل می‌شد. مواد ۲، ۳ و ۹ این معاهده به ترتیب تأکید بر تقسیمات فی‌مابین امپراتوری، عدم ادعای بخشی از سرزمین یکدیگر و تأیید بر جاری بودن مواد تغییر نیافته ارزروم اول بود. اما در ماده سوم معاهده آمده بود: هر دو دولت متعهد می‌شوند برای جلوگیری از دست‌درازی و خرابکاری عشایر مرزی،

راه‌حلی را اندیشیده و درصوت لزوم از نیروی نظامی بهره گیرند (همان: ۱۳۹-۱۴۶). این روند در ترکیه‌ی جدید به‌عنوان جان‌نشین امپراتوری عثمانی، با شدت و حدت بیشتری ادامه یافت. ترکیه‌ی محصول ۱۹۲۳ م. با تجربه‌ای بیش از نیم سده از ناسیونالیسم وارداتی یقیناً خوانش متفاوتی به نسبت امپراتوری داشت و در حال تئوری‌پردازی متن تازه‌ای منطبق با چارچوب ترکیه‌ی نوین بود و این نظام فکری جغرافیای ترکیه را کاملاً تحت‌الشعاع خود قرار داد.

بنابراین، اگرچه همکاری جغرافیای کرد با ترکها در جنگ با بیگانگان سبب تصویب قانون خودمختاری کردستان در مورخه ۱۰ فوریه ۱۹۲۲ در مجلس کبیر ملی شد<sup>۱</sup> (السن، قیام شیخ سعید پیران) (کردستان - ۱۹۲۵)، (۱۳۷۷: ۲-۷۱) و در سال ۱۹۲۳ هنگامی که مصطفی کمال (آتاتورک) جمهوری ترکیه را تاسیس کرد، تعهد نمود که کردها باید از درجه‌ای از اتونومی و حقوق فرهنگی برخوردار باشند، ولی در بطن و چپستی حکومت جدید سکولاریزم، یکپارچگی بر اساس زبان و ملت واحد ترک لانه کرده بود که لزوماً این اقدام نیازمند تبدیل اقلیت‌های ملی قومی با هویت‌های متفاوت به جمعیت یکدست ترک بود (Yildiz, 2004: 82) که در نوع خود خبر از پشت کردن به سابقه‌ی طولانی این کشور در مدارای قومی و وحدت قومیت‌ها داشت. اگرچه لوئیس از تصفیه‌های قومی<sup>۲</sup> نیز در قبال کردها در دوره‌ی عثمانی نیز یاد می‌کند (لوئیس، ۱۳۷۲: ۱۳). تلاش‌های تمرکزگرایانه دولت تنها به حوزه‌ی داخلی محدود نماند. در حقیقت ترکیه‌ی جدید برای زیست‌سیاسی و چارچوبی که در حال تئوریزه کردن آن بود، دید

۱. ماده (۱): مجلس کبیر ملی به منظور تامین پیشرفت ملت کرد و موافق با نیازهای تمدن، تعهد می‌کند دستگاه اداری خودمختاری برای مردم کرد موافق با رسوم آنها تاسیس کند.

ماده (۲): برای منطقه، که ساکنانش را عمدتاً کردها تشکیل می‌دهند فرماندار کلی توسط بزرگان و اعیان مردم انتخاب می‌شود با معاون و بازرس که بنابر تصمیم مجلس کبیر ملی ممکن است کرد باشد یا ترک.

ماده (۳): اگر چه مجلس کبیر ملی است که تصمیم می‌گرفت معاون و فرماندار کل ترک باشد یا کرد با این همه در ماده (۵) وی مستقیم از سوی مجلس ملی کرد انتخاب می‌شد.

ماده (۹): منطقه اداری کردستان در شرق شامل ولایت‌های وان، بتلیس، دیاربکر، سنجاق و درسیم و چند ناحیه و قضای دیگر است.  
ماده (۱۵): مقرر می‌داشت زبان مجلس ملی و زبان اداری منطقه کرد ترکی اما زبان آموزشی کردی خواهد بود مشروط به اینکه در آینده پایه و اساسی برای شناخت زبان کردی در مقابل زبان رسمی دولت نباشد و ماده (۱۶): وظیفه اصلی و اساسی مجلس ملی کرد تاسیس یک دانشکده حقوق و طب خواهد بود.

## 2. Ethnic cleansing

هژمون‌طلبی داشت، این بینش همراه با سلاح جدیدی که به آن مجهز شده بود (قدرت مادی و فکری مدرنیته) ترکیه را قادر می‌ساخت تا تلاش‌هایش را جهت همراه کردن فضای فرامرزی و بویژه پیرامون نزدیک متمرکز کند.

از این رو بریتانیا در اندیشه‌ی نحوه‌ی اداره‌ی سرزمین عراق در ۱۹۱۸؛ در نهایت تسلیم فشارهایی شد که از ناحیه ترکیه و دولت دست‌نشانده خود در بغداد بر آنان وارد می‌آمد. ترکیه که هر گونه هویت و موجودیت مستقل قومی - فرهنگی اقلیت کرد ترکیه را نادیده می‌گرفت، از بیم تأثیر مخرب استقلال‌گردهای عراق بر کردهای ساکن ترکیه، با این ترتیبات سیاست مشارکت دادن کردها در امور کشور در عراق که توسط انگلیس پی‌گیری می‌شد به شدت مخالفت می‌ورزید (ادواردز و هینچ کلیف، ۱۳۸۴: ۹۹).

در حالی که شورش شیخ سعید سبب سرکوب ملی‌گرایی کرد در ترکیه شده بود. تصمیم مجمع ملل و معاهده انگلو ترکی ژوئن ۱۹۲۶ در مورد وضعیت موصل، هم موجب تفاهم متقابل دو کشور ترکیه و بریتانیا شد که بر مبنای آن هر دو با ظهور یک ایالت مستقل یا منطقه خودمختار در ترکیه مخالفت می‌ورزیدند. حال آنکه از بروز آن در عراق جانبداری می‌کردند (انتسار، ۱۳۸۱: ۶۳) و در تاریخ ۳۰/۵/۱۹۲۶ که پیمان‌نامه همکاری بین ترکیه و فرانسه منعقد شد، که در آن هنگام سوریه تحت کنترل فرانسه بود، پروتکل شماره ۸ ضمیمه بیانیه درباره کنترل مرزهای ترکیه و فرانسه بود. بند نخست این پروتکل مبتنی بر همکاری دو طرف علیه جغرافیای کرد در مناطق مرزی بود. بند سوم، به دستگیری و بازداشت «مجرمان» اختصاص داشت، مراد از مجرمان نیز مبارزان کرد بودند. بند چهارم پروتکل نیز تسلیم متقابل «مجرمان» که از مرز گذشته و علیه طرف دیگر می‌جنگند را دربرمی‌گرفت.

به موجب پیمان‌نامه فوق در تاریخ ۱۹۲۹/۶/۲۹ پروتکل کنترل نظارت بر مرزهای دو کشور، میان ترکیه و سوریه در آنکارا امضا شد، به موجب بند دوم این پیمان‌نامه، دو طرف متعهد شدند مانع اقدام مخالفان در داخل مرزهای یکدیگر شوند.

به موجب بند سوم نیز دو طرف ملزم شدند هرچه سریعتر اقدامات سیاسی - نظامی خود را برای سرکوب جنبش کرد هماهنگ کنند (عومه رگول، ۲۰۰۶: ۶۹). دیپلماتیک منفی که ترکیه در داخل به نسبت کردها در پیش گرفته بود، حتی شوروی سابق را نیز از خود متأثر ساخت، به-

همین دلیل استالین در ۱۹۲۷ برای رعایت نظر آتاتورک، گروه عظیمی از کردها را از قفقاز جنوبی به آسیای میانه تبعید نمود (ابریشمی، ۱۳۷۸: ۱۲). در جریان شورش آرات در بهار ۱۹۳۱ هم شاه ایران خواهناخواه مجبور شد سیاست خود را با ترکیه همسو کند. ترکیه برای غلبه بر شورش آرات نیازمند سرزمین‌های آرات کوچک بود به همین دلیل: در بیست دوم ژوئن ۱۹۳۲ موافقت‌نامه‌ای بین ایران و ترکیه امضاء شد که به موجب آن ترکیه نواحی اطراف کوه آرات را صاحب و در عوض ایران سرزمین‌های دیگری را در اطراف وان [منطقه قطور] بدست آورد (نزان، وانلی، نازدار، ۱۳۷۹: ۱۱۲). به این ترتیب، نمود اثرات فضایی دیالکتیک داخلی ترکیه در کوچ و انتقال سرزمینی را به بهترین نحو در این چند نمونه می‌توان دید. اما این نظام فکری تنها به این دوره‌ی کوتاه محدود نمانده بلکه، همچنان که در ادامه خواهد آمد، همچنان ادامه دارد.

پیمان سال ۱۹۳۲ با پیمان عدم تجاوز معروف به پیمان سعدآباد که در ۸ ژوئیه ۱۹۳۷ به امضاء رسید تأیید و تثبیت شد. افغانستان و عراق نیز از امضاکنندگان پیمان بودند. جدا از افغانستان نگرانی عمده امضاکنندگان این پیمان جغرافیای کرد و تهدیدی بود که از آن ناحیه متوجهشان می‌شد. از ده ماده اساسی پیمان چهار ماده آن مستقیماً به ضرورت مراقبت و نظارت بر کردها می‌پرداخت و این امر با توجه به این که هدف پیمان حمایت از امضاکنندگان در قبال «تهاجم» خارجی بود امری شگفت بود. پیمان سعدآباد هنگامی امضا شد که ترکیه در گرماگرم «پاکسازی» شورش در سیم بود. عباس ولی معتقد است که یکی از هدف‌های پیمان «منطقه‌ای کردن مساله کرد در محدوده یک اتحاد ضد کمونیستی» بود و همین به‌خوبی حاکی از «نگرانی از این بابت بود که قومیت کرد در صورت مساعد بودن شرایط و اوضاع منطقه می‌توانست شاهنشاهی ایران و ترکیه و عراق را مورد تهدید قرار می‌دهد» (السن، مسئله کرد و روابط ایران و ترکیه، ۱۳۸۴: ۵-۴۴) با این وجود، به‌نظر می‌رسد یکی از عوامل اصلی عقد پیمان امنیتی سعدآباد بیشتر تهدیدی است که ترکیه آنرا از جانب جغرافیای شرق و جنوب‌شرق احساس می‌کند و جالبتر این که تلاش برای رفع این تهدید کاملاً با مساله کمونیسم و طرح کمربند بهداشتی غرب در این دوره همگرایی دارد و در لوای آن به نحوی اقدامات ضد کردی توجیهی برای خود پیدا می‌کرد (غم‌پرور، ۱۳۹۲: ۸-۱۹۷).

عبدالرحمان ضمن اشاره به بند هفت پیمان سعدآباد (این بند مانع از قیام یا فعالیت انجمن و

تشکیلاتی که می‌خواهد امنیت و آسایش را بر هم بزند) مشوق اصلی این پیمان را ترکیه دانسته و به نقل از فروغی چنین می‌نویسد:

«محمدعلی فروغی نخست وزیر سابق ایران زمانی که (۱۹۲۷) سفیر ایران در ترکیه بوده در نامه‌ای محرمانه اظهار داشته که هدف اصلی ترکها این بود که کمک و همکاری این کشورها را به طرف خود جلب نمایند، همچنین اساس ریشه خواست ترکها [از ما] این است که دو دولت با هم همکاری کنند برای آنکه از طرفی کردهای ایران ترکیه را دچار ناراحتی نکنند و از طرف دیگر کردهای ترکیه خاک ایران را به پایگاهی علیه ترکیه تبدیل نکنند» (عبدالرحمان، ۱۳۵۲: ۲۹۸).

در ۲۴ مارس ۱۹۵۵ در بغداد بین عراق و ترکیه توافقنامه همکاری امضا شد. بعدها این توافق به پیمان‌نامه بغداد معروف گردید. با استناد به ماده اول این پیمان‌نامه آنان می‌توانند پروتکل و توافقنامه مخصوص امضاکنند، و علیه فعالیت‌های در حال گسترش دموکراسی‌خواهی با هم همکاری نمایند. عصمت شریف وانلی در این باره می‌گوید: «می‌توانم به شما ثابت کنم که وجود مساله کرد اصلی‌ترین علت ایجاد پیمان‌نامه بغداد بین ترکیه و حکومت پادشاهی نوری سعید و شاه ایران بوده است» (حسرتیان، ۲۰۰۷: ۹-۶۷) این گفته حسرتیان زمانی که واکنش ترکیه را در ۳ دسامبر ۱۹۸۳ به گفتگوهای حکومت عراق با اتحاد میهنی کردستان به رهبری جلال طالبانی و با میانجی‌گری عبدالرحمان، مورد توجه قرار می‌دهیم، بهتر روشن می‌شود. چرا که با نزدیکی کمتر از چند روز به امضای توافقنامه، وزیر امور خارجه ترکیه هله‌فولگو<sup>۱</sup> به بغداد رسید و به حکومت بغداد هشدار داد، اگر با کردها به تفاهم برسد (با اعطای خودمختاری به کردها موافقت نماید) ترکیه جریان نفتی کرکوک - اسکندرون را خواهد بست (عبدالمحمدکریم، ۲۰۰۷: ۸۰)<sup>۲</sup>. بدیهی است که ترکیه در مورد گسترش آثار این امتیاز بر کردهای ناآرام سرزمین خود نگران بود، و می‌ترسید که سرمایه‌گذاری‌هایی که در این زمینه

### 1. Vahtt hele fogle

۲. بخشی از توافق‌نامه اتحاد میهنی و دولت عراق در نوامبر ۱۹۸۳ این بود که: اتحاد میهنی خواستار گسترش منطقه خودمختاری و بخشهای از کرکوک بود، همچنین اختصاص ۲۰ تا ۳۰ درصد درآمدهای نفتی کرکوک برای توسعه اقتصادی کردستان، توقف سیاست تعریب و حتی در مورد کرکوک قرار شده بود شورایی از کرد، عرب و ترکمن بر شهر کرکوک و مناطق نفت خیز آن نظارت کنند و بقیه مناطق استان کرکوک به صورت بخشی از منطقه خودمختار درآید.

دولت در طول نیم سده‌ی گذشته کرده را بر باد دهد و در چارچوب متن حاضر بهتر است بگوییم که متنی که ترکیه در پی واقعیت دادن به آن بود را به بن‌بست بکشاند. از این رو، وقتی شدت حملات کردها بر صدام در سپتامبر ۱۹۸۵ افزایش پیدا کرد، ترکیه بر حملات مرزی خود به داخل خاک عراق افزود. در ضمن هشدار داد که اگر تهران کمک‌رسانی به گروه‌های کرد مخالف عراق را ادامه دهد، ترکیه رابطه تجاری با ایران را قطع خواهد کرد (انتسار، ۱۳۸۱: ۷-۱۲۶). اما وقتی بغداد با درخواست ترکیه در مورد عقد پیمانی موافقت کرد که به واحدهای ترک اجازه می‌داد در عین تعاقب شورشیان کرد وارد قلمرو عراق شوند، تهران درخواست مشابهی از این دست را رد کرد و پیمان مزبور در اکتبر ۱۹۸۴ بین ترکیه و عراق به امضاء رسید. اگرچه ایران هم بعدها با عقد «پیمان امنیت» با ترکیه موافقت کرد و این پیمان در ۲۸ نوامبر ۱۹۸۴ با جمهوری اسلامی ایران به امضاء رسید. این پیمان از هر دو کشور می‌خواست تا در قلمرو خود مانع از هرگونه فعالیت ضد کشور هم پیمان شوند که برای ترکیه آشکارا پ.ک.ک بود (السن، مسئله کرد و روابط ایران و ترکیه، ۱۳۸۴: ۵۳). پیمان بین عراق و ترکیه در ارتباط مستقیم با نفوذ پ.ک.ک و با شرایط تحمیل از جانب ترکیه صورت پذیرفت؛ چرا که در آن زمان عراق در وضعیتی نبود که بتواند حاکمیتش را بر شمال (کردستان) تحمیل کند و از حاکمیتش در برابر قدرت بیگانه - ایران - دفاع نماید. از این رو عراق ترجیح داد با دادن امتیازی هم از احتمال اشغال شمال ممانعت کند و هم مانع جدایی بخشی از سرزمین شود و از آن مهمتر بخشی از اقتصادش را از که از لوله‌های نفتی به بندر جیحان تامین می‌شد، داشته باشد.

در آن سوی، وضعیت بحرانی میان ترکیه و سوریه هم قبل از پایان جنگ ایران و عراق باعث شد که حاکمان دو کشور برای حفظ منافعشان دست به امضای یک پروتکل امنیتی بزنند. در سال ۱۹۸۷، اوزال نخست وزیر وقت ترکیه به دمشق رفت و مذاکرات را آغاز و نتیجه آن پروتکل ۱۹۸۷ شد که تخفیف موقت اختلافات میان دو کشور بود. در آوریل ۱۹۹۲ یک گروه بلند پایه از مقامات وقت ترکیه با حافظ اسد و فاروق الشرع، وزیر امور خارجه وارد مذاکره شدند. حاصل مذاکرات امضای پروتکل میان طرفین بود. مفاد اصلی پروتکل امنیتی آوریل ۱۹۹۲ شامل همکاری در مقابله با تروریسم یعنی پ.ک.ک و جلوگیری از عبور تروریستها، عدم اجازه به مخالفان کشور مقابل در سازماندهی و جذب نیرو و تبلیغ و جلوگیری از لشکر کشی‌های غیرضروری در کنار مرزهای یکدیگر بود (واعظی، ۱۳۸۷: ۶-۷۵). بعد از وقفه‌ی

کوتاه به علت تشدید بحران در روابط، مذاکرات مقامات ترکیه و سوریه از سر گرفته شد و سرانجام به امضای «موافقتنامه جیحان» بین دو کشور منجر شد. مواد اصلی این موافقت‌نامه عبارت بودند از: جلوگیری از اقامت اوجالان در سوریه، عدم اجازه سوریه به اعضای پ.ک.ک. برای ورود به این کشور، ممنوع شدن فعالیتهای اردوگاه‌های پ.ک.ک. در خاک سوریه، دستگیری و محاکمه برخی اعضای پ.ک.ک.، ممانعت سوریه از ارسال کمک‌های مالی، تسلیحاتی، لجستیکی و تبلیغاتی به پ.ک.ک. و تلقی پ.ک.ک. به‌عنوان یک سازمان تروریستی از سوی سوریه و موارد دیگر (همان: ۷۸). همچنانکه مشاهده می‌شود، تفکر حاکم هنوز متنی را که در ۱۹۲۳ توسط مؤسسان این کشور بنیاد نهاده شده بود، را به‌عنوان بهترین سیاست در برخورد با جغرافیای جنوب شرق و شرق کشور ارزیابی و سعی می‌کند. شناسایی پ.ک.ک. به‌عنوان جریان تروریستی در همین چارچوب معنا یافته و در تلاش است تا متاثر از این منطق سیاست در پیرامون نزدیک نسبت به جغرافیای گرد را هم جهت دهد.

از طرف دیگر از سال ۱۹۹۳ به این سو، ترکیه با ایران و سوریه برای ممانعت از وقوع چنین واقعه‌ای [موجودیت خودمختار در شمال عراق] یک رشته مقاله‌نامه امضا کرد. به‌رغم اختلافاتی که بین آنکارا و دمشق بر سر جنبه‌های مختلف مساله گرد و توزیع سیستم آب فرات در میان بود، این دو کشور برای جلوگیری از پیدایش یک کشور در شمال عراق، دست به همکاری زدند. پس از تهاجم ترکیه به شمال عراق در مارس ۱۹۹۲ هر سه دولت وارد یک رشته مقاله‌نامه‌های امنیتی شدند و به موجب این اقدام امنیتی متعهد شدند که هر شش ماه یک بار در سطح وزیران خارجه سه کشور اجلاس کنند. نخستین مقاله‌نامه از این دست پس از سال ۱۹۹۲ در ۳۰ نوامبر ۱۹۹۳ در آنکارا به امضا رسید. این مقاله‌نامه مقرر می‌داشت هیچیک از کشورهای امضاکننده حضور سازمانهای تروریستی را در کشور خود اجازه نخواهند داد (السن، مسئله گرد و روابط ایران و ترکیه، ۱۳۸۴: ۸-۶۷) اُلسن این تفاهم را در چارچوب تئوری توازن جامع ارائه و تحلیل نموده ولی به‌نظر می‌رسد که در این جا نیز این ترکیه است که سعی داشته فضای پیرامون را با سیاستش همسو سازد. تأیید این گفته را می‌توان در موافقت‌نامه‌ی پنهانی بین اسرائیل و ترکیه دید.

بین ۱۳ و ۱۶ نوامبر ۱۹۹۳ حکمت چتین وزیر امور خارجه ترکیه به اسرائیل سفر کرد. آنچه در این سفر تازه بود این بود که چتین به مسئولان اسرائیلی پیشنهاد داده بود که با هم (تروریستان گرد و سوری - منظور پ.ک.ک.) را اسیر کنند اگر چه اسرائیل همکاری را به علت نشست‌های که با



سوری‌ها داشت، رد کرد اما تعدادی منابع روزنامه‌ای ترکی از موافقت‌نامه پنهانی بین ترکیه و اسرائیل خبر دادند که عبارت بود از ۱۲ بند و به همکاری‌های مخابراتی بین اطلاعات ترکیه (میت) و موساد برای تسهیل امورات میت در جنوب شرق آناتولی علیه پ.ک.ک اختصاص داشت، این در حالی بود که اسرائیل پ.ک.ک را یک گروه تروریستی نمی‌شناخت (نورهدین، ۳). همکاری و اتحاد آنکارا و تل‌آویو در (۱۹۹۶-۱۹۹۷)، پیامدهایی را برای جغرافیای شرق و جنوب‌شرق ترکیه به همراه داشت که پاره‌ای از آنان عبارتند از:

- آنکارا می‌خواهد حمایت اسرائیل و جامعه یهود آمریکا را در ریشه کن کردن پ.ک.ک و سرکوب ناسیونالیزم گُرد در پشت سر داشته باشد.
- ترکیه امیدوار است که مناسبات نزدیکتر با اسرائیل به انتقاد بیشتر یهودیان آمریکا از پاک‌سازی‌های قومی جنوب شرق ترکیه پایان دهد.
- آنکارا خواستار پشتیبانی یهودیان برای وارد کردن فشار به سوریه برای پایان دادن به پ.ک.ک در سوریه یا جاهای دیگر است.
- هر دو کشور می‌کوشند عملیات پاکسازی قومی خود را براساس نیازهای اقتصادی و توسعه اقتصادی توجیه کنند، تا بتوانند متحدان ارزنده‌ای برای غرب باشند (السن، مسئله گُرد و روابط ایران و ترکیه، ۱۳۸۴: ۹۸).

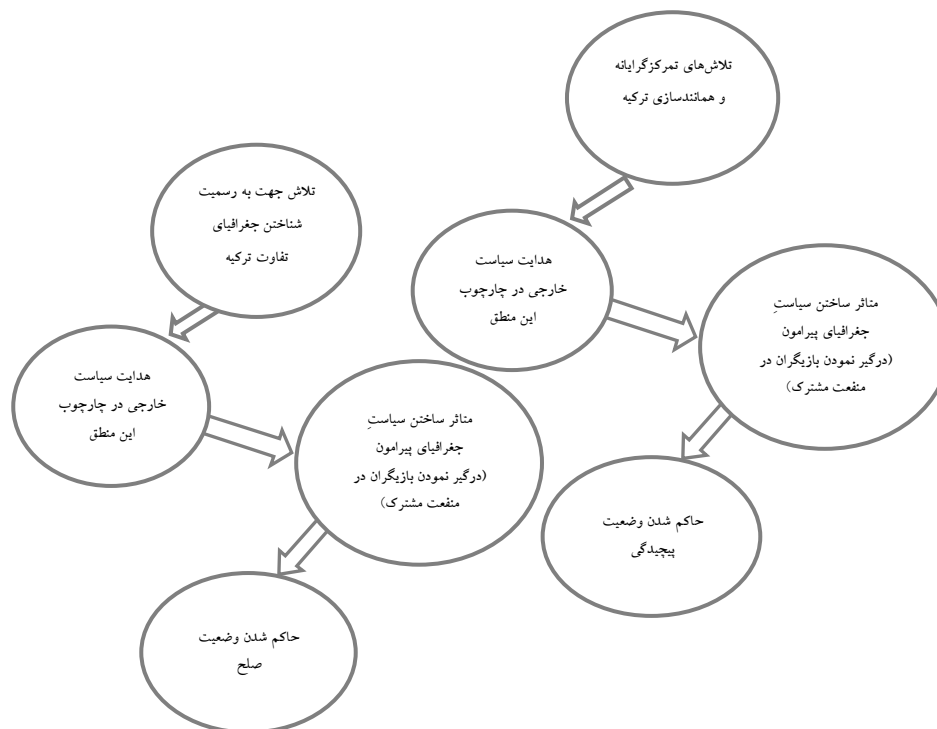
دیالکتیکی که ترکیه در قبال مسئله‌ی گُرد در پیش گرفته بود، برای موفقیت بیشتر به همراهی تمام جغرافیای پیرامونی نیاز داشت. بر این اساس، ترکیه فضای گُردی را که بعد از ۱۹۹۱ شکل گرفته بود، که طبیعتاً می‌بایست واگرا با متن اعلامی ترکیه باشد، سعی کرد با دیالکتیک خود همسو سازد (Taşpınar & Tol, 2014:6)، از این‌رو، بعد از انتخابات ۱۹ ماه می ۱۹۹۲ که پارلمان و حکومت اقلیم کردستان موجودیت یافت، در اولین اقدام در اثر فشار ترکیه علیه پ.ک.ک جنگ اعلام کرد (جودی، ۲۰۰۸: ۴۳۶) و در سال ۱۹۹۵ با حزب دموکرات کردستان پیمان دبلن امضا که در نتیجه‌ی آن جنگ بین حزب دموکرات کردستان و حزب کارگران کردستان از سر گرفته شد (همان: ۴۷۹).

ترکیه همچنین نیروی قدرتمند و تاثیرگذاری در سطح بین‌المللی در پیوند با مساله گُرد است. این کشور در جریان مذاکرات واشنگتن در ۱۹۹۸ بین دو حزب اصلی کردستان عراق در واشنگتن علیرغم عدم تمایل کشورهای شرکت‌کننده حضور داشت. حضور این کشور در این

مذاکرات از یک سو به وابستگی کردستان عراق به راه ارتباطی ترکیه و دیگری به حضور ترکیه در ناتو بر می‌گردد. ترکیه از شرایط بوجود آمده حداکثر استفاده را برد تا که خودمختاری کردها را مدیریت و یا حداقل محدود کند (لازاریف، محوی، حسرتیان، ژینگالینا، ۲۰۰۷: ۳۰۵-۳۰۴)

### نتیجه‌گیری

درک چیستی دیالکتیک دولت با جغرافیای شرق و جنوب‌شرق ترکیه و از آن مهمتر وضعیت پیچیدگی حاکم بر مسئله کُرد میسر نخواهد شد مگر آنکه به درک چیستی دولت مطلقه توجه شود. دولت مطلقه که تمرکزگرایی بارزهی آن است، محصول دوره‌ای از تاریخ و جغرافیای خاص است. این دولت، متن خاصی را تئوری‌پردازی می‌کند که از این طریق اقدام به هویت‌سازی و تعریف ما/ دیگری کرده و از درون این منطق دیالکتیک خود با پیرامون را هویت می‌بخشد. در این راستا، اولین قدم همانندسازی و به‌یک‌رنگ‌درآوری جغرافیای تفاوت و خلق یک متن واحد است و این در نوع خود بدان معنی است که گفتمان دولتی نسبت به «جغرافیای تمایز» به‌شدت حساس بوده و بدان واکنش نشان می‌دهد، زیرا همچنانکه گفته شد ایجاد چارچوبی واحد هدف اصلی دولت ملی مدرن است. این منطق تماماً آن چیزی است که بر جغرافیای خاورمیانه حاکم بوده و بر ترکیه که کانون پژوهش حاضر بوده است، بیشتر صدق می‌کند. ترکیه برای تولید متن واحد، جغرافیای کُرد را همچون پاشنه‌آشیل نظام فکری خود تعریف و بر این زمینه‌ی فکری اقدام به تحلیل و حذف آن نموده است؛ سیاستی که در نیمه اول سده‌ی نوزدهم با تلاش تمرکزگرایانه سلطان محمود دوم در نظام خلیفه آغازید و در دستگاه آتاتورکی بُعد بسیار خشن‌تری به خود گرفت و بر پهنه‌ی شرق و جنوب‌شرق «جغرافیای خون» را تعیین داد. اما نکته‌ی اساسی که پژوهش حاضر، به آن دست‌یافته این است که این دستگاه فکری که بر آنکارا (ترکیه‌ی جدید) حاکم است تنها خود را محدود به فضای داخلی نکرده و پیرامون نزدیک را نیز عرصه‌ی تاخت و تاز اندیشه‌ی خود نموده و آن را بخش بسیار مهمی در زمینه‌ی تحکیم چارچوب متن اعلامی خود تعریف کرده است. براین اساس، به همسوسازی واحدهای سیاسی پیرامون نزدیک که دربردارنده‌ی جغرافیای کُردند، متمرکز شده و پیمان‌های گوناگونی را با کشورهای همجوار در یک سده‌ی گذشته منعقد کرده است.



شکل ۲: سیاست داخلی و حاکم ساختن وضعیت‌های متفاوت؛ منبع (نگارندگان)

این درحالی است که هر کدام از ساختارهای سیاسی بارزهای فرهنگی، سیاسی، زبانی و... ویژه خود را دارند که فرمول‌های سیاسی متفاوت برای حل دموکراتیک مسئله کرد را ضرورت می‌سازد، اما تلاش دولت ترکیه در زمینه قالب ساختن سیاست خود، به نظر می‌رسد تلاش‌ها برای تحقق حل دموکراتیک را دچار چالش کرده و بر آن وضعیت پیچیدگی حاکم ساخته و جغرافیای خشونت را تعیین داده است. در پایان به‌عنوان نتیجه و راهکار پژوهش برای غلبه بر این مشکل و حذف جغرافیای خون و دست‌یابی به تصویر جدیدی که جغرافیای صلح نام دارد، اتخاذ سیاست اکولوژیک پیشنهاد می‌شود که در آن توجه به بارزهای جغرافیای تفاوت در دستور کار سیاست داخلی قرار می‌گیرد و در چارچوب یافته‌های فوق در مرحله بعد باعث هدایت سیاست خارجی به سمت صلح شده و به‌جای توازن جامع یکطرفه که از بعد منفی برخوردار است، اشتراک همه‌جانبه را موجب و جغرافیای صلح را تعیین می‌دهد.

## کتابشناسی

## منابع فارسی

۱. ابریشمی، ع. (۱۳۷۸)، مساله کرد در خاورمیانه و عبدالله اوجالان. تهران: انتشارات توکلی؛
۲. ادواردز، م.، هینچ کلیف، پ. (۱۳۸۴)، بحران در خاورمیانه از ۱۹۴۵ تاکنون. ترجمه شهرزاد رستگار شریعت پناهی، تهران: نشر قومس؛
۳. السن، ر. (۱۳۷۷)، قیام شیخ سعید پیران (کردستان - ۱۹۲۵). ترجمه ابراهیم یونسی، تهران: انتشارات نگاه؛
۴. السن، ر. (۱۳۸۴)، مسئله کرد و روابط ایران و ترکیه. ترجمه ی ابراهیم یونسی، تهران: نشر پانید؛
۵. انتشار، ن. (۱۳۸۱)، قومیت‌گرایی کرد. ترجمه عبدالله عبدالله زاده، تهران: نشر مترجم؛
۶. پارسادوست، م. (۱۳۶۹)، ریشه‌های تاریخی اختلافات ایران و عراق. تهران، چاپ چهارم: شرکت سهامی انتشار؛
۷. دشنر، گ. (۲۰۱۱)، کرد ملت بی دولت. ترجمه کمال‌الدین محمدی، هه ولیر: انتشارات آراس؛
۸. شمس محمد، ا. (۱۳۸۰)، تاریخ کرد در قرن ۱۶ میلادی. ترجمه محسن جلدیانی، تهران: انتشارات عابد؛
۹. عبدالله پور، م.، متقی، ا. (۱۳۹۴)، دیالکتیک ساختار-کارگزار در ژئوپلیتیک با تاکید بر کارگزاری ژئوپلیتیکی کردستان عراق، فصلنامه مطالعات سیاسی، شماره ۳۰، صص ۱۳۰-۱۱۱؛
۱۰. غم‌پرور، ا. (۱۳۹۲)، بحران ژئوپلیتیک در کردستان ترکیه. تهران: نشر انتخاب؛
۱۱. لازاریف، م.، محوی، ش.، حسرتیان، م.، ژیگالینا، ا. (۲۰۰۷). تاریخ کردستان. ترجمه کامران امین آوه و منصور صدقی، شهر کلن: انتشارات افروغ؛
۱۲. لویس، ب. (۱۳۷۲)، ظهور ترکیه نوین. ترجمه محسن سبحانی، چاپ اول، تهران: نشر مترجم؛
۱۳. نزان، ک.، وانلی، ع.، نازدار، م. (۱۳۷۹)، کردها. ترجمه ابراهیم یونسی، تهران: روزبهان؛
۱۴. واعظی، م. (۱۳۸۷). سیاست خارجی حزب عدالت و توسعه ترکیه. تهران: پژوهشکده تحقیقات استراتژیک؛

## منابع کردی

۱۵. جودی، ح. (۲۰۰۸). پ.ک.ک میژوو به ک له ناگر (دیپمانه‌ی روژنامه‌وانی له گه‌ل جه‌میل بایک). - پ.چ.ی.ک.
۱۶. حه‌سره‌تیان، م. (۲۰۰۷). یاسا ده‌ستوو‌ریه‌کانی تورکیا و کورد له سه‌رده‌می نو‌ندا. وه‌رگ‌برانی دل‌یر نه‌حمه‌د، سل‌نمانی: مه‌لبه‌ندی کورد‌ؤل‌وژجی.
۱۷. شو‌رش، س. (۲۰۰۷). تورکیا و نه‌ورویا - کورد له و بازنه‌یه‌دا. هه‌ول‌یر: چاپخانه‌ی خان‌ی.

۱۸. عومر گول، م. (۲۰۰۶). جینوسایدی گهلی کورد ( له بهر روشنایی یاسایی تازهی نژودهوله تان دا). سلیمانی: ماکته بی بیر و هوشپاری.
۱۹. عه بدولره حمان، ق. (۱۳۵۲). کورد و کوردستان (لنکولینه وهیه کی سیاسی و نابوری). وهرگیرانی عه بدولا حه سه ن زاده، سوئید: نه رزان.
۲۰. عه بدولا حه مه که ریم، ه. (۲۰۰۷). په یوه نندیه سیاسییه کانی نژوان هه رنمی کوردستان و تورکیا (۱۹۹۸-۱۹۹۱). سلیمانی: مه لیه ندی کورده لؤجی.
۲۱. مه ده نی، ح. (۱۳۷۹). کوردستان و ئیسترانژی ده وله تان. - ، بهرگی ۱ و ۲: چاپی نه وه ل.
۲۲. نووره دین، م. (-). تورکیا له سه رده می گوراندا. وهرگیرانی نازاد به ررنجی: -.

منابع انگلیسی

23. Asatrian. G (2009), *Prolegomena to the Study of the Kurds*. YEREVAN: Caucasian Center For Iranian Studies;
24. E. Cornell. S.(2001), *The Kurdish Question in Turkish Politics* :- Foreign Policy Research Institute. Published by Elsevier Science Limited;
25. Ivanov. S.(2014), *The role and importance of the Kurds in geopolitics of the Middle East: New Eastern Outlook*;
26. Koochi-Kamali. F.(2003), *The Political Development of the Kurds in Iran - Pastoral Nationalism*. New York: PALGRAVE MACMILLAN;
27. Mcdowell. D.(1901), *The Kurds (Minority Rights Group international)* . Minority Rights Group international-London: Minority Rights Publications;
28. Taşpınar. Ö & Tol. G.(2014), *Turkey and the Kurds: From Predicament to Opportunity* .Washington. DC: US – EUROPE ANALYSIS SERIES NUMBER 54 / [www.brookings.edu/cuse](http://www.brookings.edu/cuse).
29. Vezbergaitė. J. (2015), *Self-Determination of the Kurdish People: Undermining the Unity of the Turkish Nation?* (Fribourg: University of Fribourg Institute of Federalism. [www.federalism.ch](http://www.federalism.ch));
30. Yildiz. K (2004), *The Kurds in Iraq (The Past, Present and Future)* . London: Pluto press.